

روزنامه هنر	
عصیان ادبیات؛ ایده سوسیالیسم هنوز یابر جاست	صفحه ۱۰
در حاشیه «ادبیات و انقلاب» یورگن روله	صفحه ۱۰
جنگ با دشمن نامرئی	صفحه ۱۲

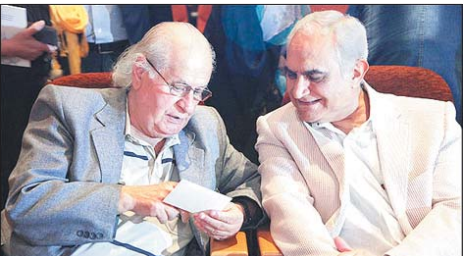
پشت میکروفن

گویندگی نوعی بازیگری است



پرویز بهرام، صدایی ماندگار در عرصه دوبله کشور است. قطعاً بسیاری با من هم‌نظر هستند که صدای او تکرار نخواهد شد. سال‌ها گویندگی‌کردن در کنار او اتفاق خوبی بود و قطعاً درس‌های بسیاری برایم داشت. پرویز بهرام برای من و امثال من سمت استادی دارند و شاگردان بسیاری آموخته‌هایشان را در دوبله مدیون استاد پرویز بهرام هستند. قطعاً وقتی به نام پرویز بهرام و تاثیر او در دوبله این کشور می‌رسیم نیاز است با تأمل بیشتری درباره او صحبت کنیم؛ مردی شریف و مهربان که هر آنچه را در توانش بوده برای هنر این کشور و البته دوبله ایران خرج کرده و عاشق کارش است. ویژگی دیگر این مرد بزرگ موفقیتش در شغلی است که به نوعی شغل دیگر او محسوب می‌شد. پرویز بهرام از جمله وکلای شناخته‌شده و درجه‌یک کشور بوده که کار وکلانش نیز همانند وجودش در عرصه هنر ثمرات بسیاری داشته است؛ مردی که با تمام وجودش به اطرافیان احترام می‌گذازد و طبعاً مورد احترام هم هست.

اما قطعاً نمی‌توان از پرویز بهرام صحبت کرد و ریشه‌های این هنرمند را در نسلی که به نسل طلایی دوبله ایران شناخته شده و معروف است جست‌وجو نکرد و درباره آن حرف نزد. اگر حضور آدم‌هایی مثل پرویز بهرام در دوبله این کشور نبود، قطعاً دوبله ما در دهه ۴۰ سرآمد دوبله سایر کشورها قرار نمی‌گرفت و آوازه هنر دوبله ایران فراگیر نمی‌شد. غریزانی چون زنده‌یاد احمد رسول‌زاده، آقای بهرام عزیز که برایش آرزوی سلامتی می‌کنم، منوچهر اسماعیلی، آقایان محمدعلی زرنزدی، سعیدشرافت، علی کسمایی و... جزو کسانی هستند که قدم‌های بزرگی در عرصه دوبله این کشور برداشتند و صدای این بزرگان در عرصه دوبله تکرار نخواهد شد. شاید ویژگی‌ای که می‌توان برای نسل طلایی دوبله ایران قایل شد، این است که فیلم‌های خوبی در دنیا با حضور بازیگران و کارگردان‌های قدرتمندی ساخته می‌شد که برای آنها با صدای خاص گویندگان ما عجبین شده بود و شخصیت خاصی پیدا کرده بود که تصور می‌کنم به مرور کم‌رنگ شد. هنوز هم نمی‌توانم آسیب‌شناسی دقیقی از دلیل ضعف دوبله ایران طی سال‌های اخیر داشته باشم. دوبله ما درحال‌حاضر جوان‌هایی دارد که با عشق و علاقه کار می‌کنند و زحمت می‌کشند اما دوره‌ای که از آن به‌عنوان دوران طلایی دوبله یاد می‌کنیم اتفاقی فراتر از حد تصور بود که توضیح‌دانش کمی مشکل است.



با اینکه سال‌ها در کنار پرویز بهرام کسب تجربه کردم و همکار بودم اما با هر بار شنیدن صدایش به وجد می‌آیم و تصور می‌کنم از من جمله افرادی است که مردم با صدایش خاطرات بسیاری دارند. خصوصاً کسانی که بیشتر پیگیر سریال‌های تلویزیون هستند و صدای او را در نقش اول‌های بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی و ایران شنیدند. پرویز بهرام صدای خاصی دارد، که در ذهن بسیاری از ما حک شده است و ماندگار خواهد شد. اما بدون شک ویژگی دیگری که باید در کار پرویز بهرام به آن اشاره کرد، این است که اصلاً در زمان گویندگی در هر نقشی تا حد بسیار زیادی خودش را به نقش نزدیک می‌کند و از درجه دید یک بازیگر به شخصیت نگاه می‌کند و به نقشی که دوبله می‌کند، شخصیت می‌دهد و تا حد زیادی می‌توان این ویژگی کارش را در اینکه خودش بازیگر بوده نیز جست‌وجو کرد. پرویز بهرام از بازیگران درجه یک تیاتر بود که نمایش‌های بسیاری را کارگردانی و بازی کرد و آموخته‌هایش در تئاتر را در عرصه دوبله نیز به خدمت گرفت و این موضوع یکی از ویژگی‌های کارش در عرصه گویندگی و مدیریت دوبلاژ محسوب می‌شود. او در سمت مدیریت دوبلاژ نیز گویندگان را به نوعی انتخاب می‌کرد که نزدیکی بسیار زیادی به نقش‌ها داشتند و صدای آنها در غالب آن نقش برای مردم باورپذیرتر می‌شد. خوشحالم که سال‌ها در کنار این مرد شریف کسب تجربه کردم و روزهای خوبی را در کنارش گذراندم اما من تنها یک تجربه حضور در عرصه نمایش داشتم و این تجربه نیز در کنار پرویز بهرام رقم خورد. سال۱۳۴۴، پرویز بهرام نمایشی با نوشته‌ای از «آرتور میلر» را روی صحنه برد که خودش نقش «آنتونی» را بازی می‌کرد و من نیز عهده‌دار بازی در نقش وکیل‌مدافع «الفری» شدم که روای داستان هم بود. این نمایش با استقبال خوبی روبه‌رو شد و من بعد از این تجربه دیگر در عرصه تئاتر فعالیت نکردم اما خوشحالم که تنها تجربه من اثری بود که در کنار پرویز بهرام رقم خورد.

باید به وجود افرادی چون پرویز بهرام افتخار کرد و از اینکه دوبله ما هنرمندانی شبیه آنها را داشته و دارد باید به خود بالید. متأسفم که بسیاری از این بزرگان را طی سال‌های اخیر از دست دادیم؛ صدهایی که یقین دارم شبیه آنها را دیگر نخواهیم شنید. اما قطعاً یاد و خاطره آنها را زنده نگه خواهیم داشت و آرزوی سلامتی و طول عمر برای پرویز بهرام عزیز دارم.

نقش‌ها و صداها

پرویز بهرام به نقش‌ها جان می‌داد



حمید منوچهری

پرویز بهرام هشت‌سال از من بزرگ‌تر است و همیشه صحبت‌کردن درباره بزرگ‌ترها سخت است. چه افتخاری بالاتر از اینکه طی این سال‌ها علاوه‌بر همکاری، دوستان خوبی برای یکدیگر بودیم. پرویز بهرام تنها در عرصه دوبله فعال نبود، بلکه در سایر رشته‌های هنری از جمله بازیگری و کارگردانی رادیو و البته بازیگری تئاتر نیز فعال بود و نقش‌های ماندگاری همچون «اتللو» را از خود به نمایش گذاشت. از سال۱۳۳۲ مدیریت دوبلاژ به او سپرده شد و به‌خوبی از عهده این وظیفه سنگین برآمد و در این عرصه نیز موفق ظاهر شد و متأسفانه با بروز بیماری به‌ناچار فعالیتش را کم کرد و این اواخر به‌دلیل شدت‌گرفتن بیماری دیگر کار نکرد. من از سال۱۳۳۷ کار دوبله را آغاز کردم و با پرویز بهرام عزیز بارها در فیلم‌های مختلف صحبت کردم و در فیلم‌هایی که مدیر دوبلاژ آنها به بهرام عزیز سپرده می‌شد اغلب من برایش گویندگی کردم. البته به‌دلیل اینکه رفتن او از رادیو با آمدن من مصادف شد، فرصت نشد که در رادیو با هم همکاری داشته باشیم. اما قطعاً روزها و سال‌های همکاری با او همیشه برایم شیرین و لذت‌بخش است. بدون شک در تمام این سال‌ها نقش‌های اول بسیاری از فیلم‌های ایرانی و خارجی با صدای او جان گرفتند و در ذهن مردم ماندگار شدند و پرویز بهرام با آن صدای مخملین و نازنینش حال‌وهوای دیگری به نقش‌ها داد. چهره‌هایی چون پرویز بهرام حق بزرگی به گردن هنر این‌ کشور دارند و البته سایر بزرگانی که تمام عمرشان در عرصه هنر فعال بوده‌اند. متأسفم که مدتی قبل آقای رسول‌زاده نازنین را از دست دادیم؛ هنرمندی که با تمام وجودش کار می‌کرد و عشق بی‌حدوصری به دوبله داشت و قطعاً جایش تا همیشه در عرصه دوبله خالی خواهد ماند و تنها می‌توانم برای پرویز بهرام عزیز و سایر دوستانم که این‌روزها کسالت دارند، آرزوی سلامتی و طول عمر داشته باشم. اما متأسفم از اینکه پرویز بهرام در تمام این سال‌ها نتوانست به یکی از علاقه‌هایش که بازیگری در سینما بود، برسد. پرویز بهرام وکیل دادگستری بود و ظاهراً وکلا از بازیگری محروم بودند. اما شاید این اتفاق باعث شد که پرویز بهرام بیشتر در دوبله فعال باشد و همیشه جزو بهترین‌های این عرصه بوده است و خوشبختانه از چهره‌های ماندگار این کشور لقب گرفته است.

من و دیگر افرادی که در تمام این سال‌ها همقدم و همسیر پرویز بهرام عزیز بودیم، چیزهای زیادی از او یاد گرفتیم و به‌جز زیبایی، خوبی و درستی از این مرد چیزی ندیدیم. همه ما با عشق کار می‌کردیم و می‌کنیم. آرزو می‌کنم جوان‌هایی که با به عرصه دوبله می‌گذارند نیز چنین باشند و در درجه اول به کارشان عشق بورزند. چهره‌هایی چون پرویز بهرام آبروی دوبله ما هستند و تنها می‌توانم از خاوند متعال آرزوی سلامتی و بهبودی آنها را داشته باشم که بار دیگر به کارشان برگردند و همچنان فعال و پویا در این‌ عرصه حضور داشته باشند.

دیروز و امروز دوبله در گفت‌وگو با «پرویز بهرام» :

دوبله ایران دلیل خواهد شد



عکس: محمد حسن‌زاده

را داشتید و در کنار شما فیلم دوبله کرد. ظاهراً با شاعران دیگری هم مراوده داشتید. خودتان هم شعر می‌گفتید؟

اکثر شاعران ایران با من دوست بودند؛ شاملو، اخوان‌ثالث، نادر پور، نصرت رحمانی، شهریار، فریدون توللی، ملک‌الشعراى بهار و... بسیاری از آنها شب‌ها به هنرستان هنریشگی می‌آمدند و من شعرهایشان را برایشان دکلمه می‌کردم و دوست داشتند که شعرهایشان را اینگونه بشنوند. من هم گاهی شعر می‌گفتم و می‌گویم اما نه آنقدر حرفه‌ای که بتوانم به خودم شاعر بگویم.

آقای بهرام! به نسل حال حاضر دوبله ایران چقدر امیدوارید و فکر می‌کنید نسلی هست که بتواند سبب‌ساز اتفاقاتی خوب در این عرصه شود؟

در‌حال‌حاضر جوان‌های بااستعدادی در دوبله ما فعالیت می‌کنند؛ اما قطعاً پولی که از این راه درمی‌آورند، کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد و ناگزیر هستند هم‌زمان با کار دوبله چندین کار دیگر هم انجام بدهند. زیاد اتفاق افتاده است که صبح برای دوبله یک‌فیلم آمده می‌شویم و با من شرط می‌گذارند اگر می‌خواهید نقش اول فیلم را بگویم، باید ساعت‌پنج بعدازظهر کار تمام شود، چون پولی که می‌گیریم کافی نیست و باید جای دیگری هم برویم. بنابراین باید خیلی سریع کار را تمام کنیم. در زمان ما گاهی دوبله یک فیلم یک‌ماه زمان می‌برد اما الان صبح شروع می‌کنیم و پنج‌بعدازظهر تمام می‌شود و فکر می‌کنم بااستخان را از اینکه چرا دوبله در حال حاضر وضعیت خوبی ندارد گرفتید.

آقا قطعاً با این شرایط آینده خوبی هم برای آن متصور نیستید....
آینده خوبی را برای دوبله ایران نمی‌بینم. قطعاً آینده تیره‌ای دارد و به‌زودی دوبله ایران ذلیل خواهد شد و در حد نابودی پیش خواهد رفت. زمانی ما رتبه اول را در جهان در هنر دوبله داشتیم. خاطرم هست زمانی نقش باندراچوک در«اتللو» را چهار دوبلور در ایران، دوبله کردند که من هم یکی از آنها بودم. صداهاى ما به مسکوف‌رفت و کارگردانش صدای من را انتخاب کرد و حتی خود چوک هم از شنیدن صدای دوبله‌شده‌اش به‌وجود آمد. قطعاً آن زمان بین تعداد زیادی صدای خوب انتخاب هم کار مشکلی بود و البته انگیزه زیادی هم برای ما وجود داشت. اما نسل حال حاضر تقصیری ندارد، انگیزه کافی از بودن در این حرفه ندارد و هرچه که هست عشق و علاقه به این عرصه است. با این حال معتقدم که صدای زیبا و دلنشین هم کم داریم.

هیچ‌وقت از شما برای فعالیت در خارج از ایران دعوت نشد؟
چرا، قطعاً این اتفاق بارها افتاد اما دوست نداشتم از ایران بروم. حتی شبکه‌های ماهواره‌ای که تعداد زیادی دوبلور جذب کرده‌اند و برخی از همکاران من نیز از ایران رفتند و پول‌های خوبی هم می‌گیرند و زندگی خوبی آنجا دارند؛ از من هم دعوت کردند اما قطعاً من این شبکه‌ها را ضدحکومت می‌دانم بنابراین نپذیرفتم از ایران بروم.

آقا خانواده بزرگ بهرام، تنها شما و پاتنه‌آ در عرصه هنر، فعال هستید؟
بله. پاتنه‌آ بهرام دختر پسرعموی من است. بازیگر بسیار بااستعدادی است و اکثر کارگردان‌های این کشور از همکاری با او به‌خوبی یاد می‌کنند. برایش موفقیت‌های بیشتری را آرزو می‌کنم.

آقا قطعاً هنوز هم بسیاری با شنیدن صدای شما به یاد شخصیت «درک» می‌افتند. فکر می‌کردید دوبله این شخصیت باعث شود حتی شما را به نام این شخصیت بشناسند؟
واقعاً فکر نمی‌کردم مردم اینقدر دوستش داشته باشند. زمانی که مدیریت دوبلاژ سریال «درک» را برعهده داشتم، صاحب استودیو خواست صدای شخصیت اول این سریال را من دوبله کنم. خوشحالم که مردم این سریال را دوست داشتند و از شنیدن صدای من به‌جای نقش اصلی این سریال استقبال کردند و من همیشه شرمنده لطف مردم هستم.

آقا هنوز هم وکالت می‌کنید؟
خودم را بازنستسته کردم. ۴۲سال وکالت کردم و فکر کردم دیگر برای من کافی است.

آقا وکالت برایتان جذاب‌تر بود یا دوبله؟
حقیقتاً در سال‌هایی با این ترس که به بهانه کار هنری پروانه وکالتی را باطل کنند زندگی کردم. اما قطعاً وکالت هم شغلی بود که با علاقه دنبالش کردم؛ هرچند عشق من، هنر بوده و هست و دوبله را عاشقانه دوست دارم.

آقا فیلمی که از آن خاطره دارید و همیشه به‌یاد‌آوردنش شما را راضی می‌کند، چیست؟
«جاده ابریشم» فیلمی مستند بود که مردم دوستش داشتند. بیشترین قسمت‌های این مستند را من دوبله کردم و چند قسمت آن را زنده‌یاد رسول‌زاده دوبله کرد که متأسفانه مدتی پیش او را از دست دادیم. فیلم‌های سینمایی که از دوبله‌کردن آنها حس خوبی داشتم «درک» و «امیرکبیر» بود.

مدتی پیش سوار تاکسی شدم و تا گفتم اقا من همین‌جا پیاده می‌شوم، راننده صدایم را شناخت. پولی درآورد و از من خواست جمله‌ای برایش بنویسم و امضا کنم و از من کرایه هم نگرفت. مهربانی مردم همیشه مرا شگفت‌زده می‌کند و از همه آنها ممنونم.

کمال‌میل پذیرفتم. خوشبختانه علی حاتمی از نتیجه کار راضی بود و آقای ملک‌مطیعی هم به من لطف دارد و همیشه از من تعریف می‌کند، بازی ناصر ملک‌مطیعی در این فیلم هم بسیار دوست‌داشتنی و جذاب است. حقیقتاً حیف شد که سینمای ایران علی حاتمی را از دست داد. یکی از یادگاری‌های بارزش او، شهرک سینمایی است که اتفاق مهمی در سینما و تلویزیون ما بود.

آقا بعد از این فیلم همچنان ارتباط شما و علی حاتمی ادامه داشت؟
بله، ما دوستان خوبی برای هم بودیم. خاطرم هست به او پیشنهاد دادم در سریال «هزارستان» از برادرش، حسین در نقش صاحب سلمانی استفاده کند که علی این نقش را برای برادرش مناسب نمی‌دانست. بعد از آن حسین حاتمی به سمت دوبله آمد و متأسفانه سال گذشته هم از دنیا رفت.

آیا پیش از انقلاب دوبله فیلم‌های فارسی بسیار متداول بود، اما شما ازجمله کسانی هستید که پیش از انقلاب در این زمینه فعالیت نکردید. دلیلش چه بود؟

من تا به امروز فقط جای دوفر صحبت کردم. فریدون راد و ناصر ملک‌مطیعی، دوست نداشتم بیش از این در آن زمان فعالیت کنم. اتفاقاً پول خوبی هم می‌دادند اما ترجیح می‌دادم به این حیطه ورود نکنم چون معتقد بودم فیلمفارسی مغایر هنر است. تهیه فیلم‌ها در آن زمان به هیچ‌وجه خوب نبود و از این جهت مخالف حضور در فیلم‌ها یا صدایشگی کارهایشان بودم. از طرف بسیاری از کارگردان‌ها، پیش از انقلاب برای بازی دعوت به همکاری می‌شدم اما هیچ‌تمایلی از سمت من وجود نداشت و تنها فعالیت بازیگری من در سینما به بازی در فیلم «چرا دریا طوفانی شد؟» به کارگردانی ابراهیم گلستان خلاصه می‌شود. برای من حضور در تئاتر مهم‌تر از سینما بود. سال‌ها روی صحنه تئاتر بودم و همیشه از بودن در آن محیط لذت می‌بردم. بعد که فعالیتیم در دوبله و رادیو بیشتر شد، به‌مرور وقت کمتری برای حضور در تئاتر داشتم.

زمانی که من وارد کار دوبله شدم اکثر دوبلورها، بازیگران تئاتر بودند. شاید به این دلیل است که دورانی در دوبله ایران را به نام دوران طلایی دوبله می‌شناسند و نامگذاری کردند. سختگیری زیادی برای حضور افراد در دوبله وجود داشت و حقیقتاً کار آسانی نبود. از طرف دیگر همه ما از جان و دل برای دوبله فیلم مایه می‌گذاشتیم

نکته جذاب هم این است، زمانی که من وارد کار دوبله شدم، اکثر دوبلورها، بازیگران تئاتر بودند. شاید به این دلیل است که دورانی در دوبله ایران را به نام دوران طلایی دوبله می‌شناسند و نامگذاری کردند. سختگیری زیادی برای حضور افراد در دوبله وجود داشت و حقیقتاً کار آسانی نبود. از طرف دیگر همه ما از جان و دل برای دوبله فیلم مایه می‌گذاشتیم. صاحبان فیلم پول خوبی خرج می‌کردند و نقش‌های اصلی فیلم‌هایشان را به دوبلورهایی می‌سپردند که بتوانند چیزی به فیلم‌شان اضافه کنند. من در مدت حضورم در دوبله نقش‌های ماندگار بسیاری را دوبله کردم که با مردم ارتباط بسیار خوبی برقرار کرده است. صدای بازیگرانی مثل فریدریک مارچ، هامفری بوگارت یا تایرون پاور در ایران طرفداران بسیاری داشت. آن زمان هر فیلمی که از پاور در ایران اکران می‌شد، تمام بلیت‌هایش زود به‌فروش می‌رفت و همه اینها باعث شد که من هم زود بین مردم شناخته شوم.

آقاقتید که سینمای پیش از انقلاب را خیلی نمی‌پسندید، بنابراین نخواستید که فیلم‌های بیشتری دوبله کنید یا بازیگر این فیلم‌ها باشید، اما چرا بعد از انقلاب تغییر رویه ندادید. اساساً با بازیگری در سینما خیلی موافق نبودید؟

شاید تجربه همکاری با ابراهیم گلستان و فروغ فرخزاد در فیلم «چرا دریا طوفانی شد؟» آنقدر جذاب بود که بعد از آن نمی‌توانستم کار دیگری را انتخاب کنم؛ به‌نوعی سلیقه من را تغییر داده بود. به‌هرحال همکاری با آنها ناخودآگاه آدم را سخت‌پسند می‌کند. البته داستان آشنایی من با ابراهیم گلستان هم جالب است و کاملاً اتفاقی بود. ابراهیم یک‌شب آمد و نمایش «اتللو» را با بازی من دید و از بازی من خوشش آمد. بعد از نمایش آدرس استودیو را به من داد. رفت‌وآمدهای ما شکل گرفت و بعد از آن حضور در فیلمش به‌عنوان بازیگر شروع همکاری حرفه‌ای ما بود. بعد از آن هم دوستان صمیمی هم شدیم. ابراهیم گلستان آدم بی‌نظیری در نوشتن و کارگردانی بود و فکر می‌کنم شبیه او را در سینمای ایران نداریم. بعد از همکاری با ابراهیم گلستان دیگر صلاح ندیدم با کارگردان دیگری کار کنم.

آقا هنوز هم با گلستان ارتباط دارید؟

بله. او از دوستان نزدیک من است و در حال حاضر در لندن زندگی می‌کند. ۹۰ساله شده و هنوز دنیای هنر را فراموش نکرده است. مرد شریفی است و خوشحالم که در کارنامه هنری من همکاری با او اتفاق افتاد.

آقا به‌غیر از فروغ فرخزاد که تجربه همبازی شدن با او در یک فیلم



پرویز بهرام صدای شناخته‌شده‌ای برای ایرانی هاست. گاهی با شنیدن صدایش به یاد سریال آلمانی«درک» می‌افتیم و البته این سریال نیز برای خود او به واسطه اینکه مردم با آن ارتباط خوبی برقرار کردند، دوست‌داشتنی است. پرویز بهرام مدتی قبل دوران بیماری را طی کرد و به گفته خودش این‌روزها بر اثر تلاش‌ها و مراقبت‌های همسرش شرایط جسمانی بهتری دارد. در یکی از روزهای سرد بهمن، با بهرام از روزهای پرکاری‌اش در دوبله حرف زدیم. بهرام، در این گفت‌وگو، از عدم علاقه خود به دنیای بازیگری صحبت کرد و اینکه ابراهیم گلستان هنوز هم برای او کارگردانی درجه‌یک است. بهرام از حال‌روز سال‌های اخیر دوبله ایران نیز با ما سخن گفت و با ناامیدی درباره آینده دوبله ایران صحبت کرد. چکیده صحبت‌های پرویز بهرام را در ادامه می‌خوانید:

آقا شما ازجمله دوبلورهایی هستید که شغل دیگری هم به‌جز دوبله داشتید، وکالت، شغل اول شما بود یا خیر؟

پیش از اینکه کار دوبله یا وکالت را آغاز کنم، از کودکی عاشق صحنه بودم. دبستان بودم که شب‌ها در تئاتر گیتی بازی می‌کردم و پول کمی به من می‌دادند. قطعاً در آن زمان به‌خاطر پول کار نمی‌کردم اما عاشق کار تئاتر و بازی روی صحنه بودم. بعد از چندسال، تئاتر حرفه‌ای را آغاز کردم و در سال۱۳۲۴ که دوبله در ایران پا گرفت، وارد عرصه دوبله شدم و کار وکالت را هم در همه این سال‌ها در کنار دوبله انجام می‌دادم.

آقا فعالیت در رادیو را از چه زمانی شروع کردید؟
در حین کار دوبله بود که به رادیو دعوت شدم. در رادیو هم کار بازیگری و کارگردانی انجام می‌دادم. همان سال‌ها بود که پروانه وکالتم لغو شد، دلیل لغو پروانه هم به این دلیل بود که یک هنرپیشه نمی‌توانست وکیل باشد و به‌نوعی کارهنری انجام‌دادن، مغایر شئونات وکالت بود.

آقا یعنی پیش از انقلاب، تنها به این دلیل که شما شغل هنری را در کنار وکالت انجام می‌دادید، محکوم به لغو پروانه وکالت شدید؟ بعد از آن چه شد؟

بله، بعد، یکی از دوستان من به نام آقای امامی پیشقدم شد تا پروانه وکالتم را برگرداند. او و همسرش که از دوستان خوب من بودند، رفت‌وآمد زیادی به کانون وکلا داشتند و روزها بر سر این موضوع با مدیران آنجا بحث می‌کردند که وکالت یعنی هنرو پرویز بهرام دوهنر دارد که هر دو را موازی با هم انجام می‌دهد. بعد از آن که با هم سلام‌وعیکی کردیم، آقای رضایی به کمتر شد و توانستم بار دیگر وکالت کنم.

آقای بهرام، چه کسی شما را به دوبله معرفی یا به قول معروف صدایتان را کشف کرد؟

یک‌روز ابولقاسم رضایی، هوشنگ لطیف‌پور و جعفر والی را اتفاقی در خیابان استانبول تهران دیدم. آنها در ایران فیلم، خانه سینمای فعلی کار می‌کردند. بعد از اینکه با هم سلام‌وعیکی کردیم، آقای رضایی به من گفت صدای خوبی داری و از من خواست تا تستی برای دوبله بدهم. بعد از چندروز از آشنایی و انجام تست، نقش اول فیلم «هنرپیشه» را به من داد و این فیلم در سینماها حسابی سروسز کرد و به‌مرور صاحبان فیلم دوست داشتند صدای نقش‌اول‌های فیلمشان را من بگویم. آن زمان پول بدی هم بابت دوبله نمی‌دادند. من در شروع کارم ۴۰۰هزار‌تومان دریافت می‌کردم که مبلغ کمی نبود شاید معادل چهارمیلیون الان باشد. اما متأسفانه شرایط امروز در دوبله زمین تا آسمان با شرایط آن زمان فرق دارد. به‌لحاظ اقتصادی به هیچ‌وجه خوب نیست و بچه‌های جوانی که به این عرصه پا می‌گذارند، حقیقتاً شرایط سختی را پشت‌سر می‌گذارند.

آقا چرا دوبله ایران زمانی ارج‌وقرب داشت و امروز دیگر از آن خبری نیست؟

متأسفانه تعداد آدم‌های نایلد در این حرفه زیاد شده است. ارزش‌گذاری آدم‌ها متفاوت‌تر از چیزی است که پیش از این وجود داشت و مهم‌ترین دلیلش این است که متأسفانه کسانی در راس هرم تصمیم‌گیری برای این حرفه قرار گرفته‌اند که اشراف کافی بر این هنر ندارند. بدون شک همه اینها طی سال‌ها ضربه‌های متعددی را بر پیکر دوبله ایران وارد کرد و به‌مرور از شان دوبله ایران کاسته شد و متأسفم که باید این میزان پسرفت در دوبله را بپذیریم و از شرایط نامطلوب آن صحبت کنیم.

آقا شما به‌جز دوبله فیلم‌های خارجی، دوفیلم ایرانی را نیز دوبله کردید. صدایتان در نقش «امیرکبیر» با بازی ناصر ملک‌مطیعی یکی از ماندگارترین کارهای شما است. با علی حاتمی پیش از این کار، تجربه همکاری داشتید؟

بله. علی حاتمی را می‌شناختم و این آدم بااستعداد نعمت بزرگی برای سینمای ایران بود. زمانی که خواست «سلطان صاحبقران» را بسازد، از من خواست نقش «امیرکبیر» را بازی کنم ولی من تمایلی به بازیگری نداشتم. اما این قول را از من گرفت که صدایشگی این نقش را انجام دهم و من با